

درس‌هایی که از روابط جدید هند و ایالات متحده می‌توان آموخت

عباس ملکی*

مقدمه

در طول تاریخ، کمتر ملتی به اندازه ایرانیان و هندیان با هم ارتباط دیرینه و تنگاتنگ داشته‌اند. پس از اسلام، این تعاملات توسعه بیشتری یافت و فرهنگ اسلام از سرزمین ایران به هند رفت و سرگذشت و سرنوشت این ملت، در مقاطع متعددی از تاریخ ورود اسلام به هند، به یکدیگر گره خورد تا جایی که در زمان صفویه، امپراطوری بابرین با حمایت ایشان قدرت یافت و زبان و هنر و معماری ایرانی، بر شئون فرهنگی هند حاکم شد. امروزه تعداد کتب خطی فارسی و آثار نقاشی مکتب‌های قزوین و اصفهان در هند، بیش از ایران است و چشم سیاحان خارجی در هند به شاهکارهای معماران ایرانی همچون تاج‌محل روشن می‌شود. فرهیختگان هند، همواره ایران را مهد تمدنی می‌دانند که تعاملاتش با هند تأثیرات فراوانی بر آن نهاده است. نمونه‌هایی از این

نگرش را در آثار جواهر لعل نهرو چون نگاهی به تاریخ جهان و کشف هند در مورد عظمت فرهنگ ایرانیان و سخنان و مقالات رابیندرانات تاگور در مورد حافظ می‌توان دید.

هند بزرگ‌ترین دموکراسی جهان و دومین کشور پرجمعیت با جمعیتی حدود یک میلیارد و یکصد میلیون نفر است و بدون شک، نقش مهمی در سازمان‌های بین‌المللی دارد. اگر قرار باشد کشوری به کشورهای دائم شورای امنیت ملل متحد اضافه شود، هند از اولین انتخاب‌ها خواهد بود. جنبش غیرمتمعه‌دها از زمان جواهر لعل نهرو در هند شروع شد. امروزه هند یکی از دارندگان سلاح هسته‌ای در جهان و از نمونه‌های موفق در خودکفایی صنعتی و کشاورزی است که جایگاه ویژه‌ای در جهان از لحاظ اقتصادی کسب نموده است.

ایران و هند پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ روابط خود را توسعه دادند. تا قبل از انقلاب اسلامی، ایران عضو سازمان پیمان مرکزی بود. این سازمان به نوعی در برابر کشورهای بلوک شرق مانند اتحاد شوروی و کشورهای نزدیک به مسکو مانند هند صف‌آرایی کرده بود.

هر دو کشور ایران و هند عضو گروه ۷۷ و همچنین گروه ۱۵ هستند. در قالب همکاری‌های آسیایی، هند در کنار روسیه، چین، ژاپن و ایران می‌تواند یکی از قطب‌های اساسی را در چارچوب منطقه‌گرایی شکل دهد. همکاری‌های ایران و هند در زمینه‌های انرژی، فرهنگ و دیالوگ تمدنی برای دیگر کشورها می‌تواند نمونه‌ای قابل قبول باشد. هر دو کشور در سازمان همکاری‌های شانگهای عضو ناظر هستند.

در صحنه جهانی ایران و هند همچون دو همسایه نزدیک با یکدیگر همکاری می‌کنند. در فعالیت‌های منطقه‌ای نیز با پتانسیل بالا برای رسیدن به منافع مشترک در گسترش همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و تجارت، مبارزه با مواد مخدر، و مبارزه با تروریسم تلاش می‌ورزند تا از این رهگذر به صلح و ثبات منطقه‌ای و جهانی دست یابند.

در حالی که هند همواره به‌عنوان یک کشور مؤسس نهضت عدم تعهد و طرفدار بلوک شرق شناخته می‌شده است، روابط جدید این کشور با ایالات متحده امریکا نمونه‌ای جالب در روابط بین‌الملل است. به طور مشخص همکاری‌های هند و امریکا در دوران نخست‌وزیری آقای مان موهان سینگ، اقتصاددان برجسته هندی قابل توجه است.

گرچه رهبران سنتی هند مانند خانم ایندیرا گاندی، راجیو گاندی و ناراسیمهارائو نگاه مثبت تاریخی و استراتژیک منطقه‌ای به ایران داشتند، اما نگاه رهبران جدید هند به ایران مانند گذشته نیست. نخست‌وزیر سینگ با دیدگاه اصلاحات اقتصادی خود در فکر توسعه همه‌جانبه هند است و افرادی مانند او و سونیا گاندی به زندگی با ارزش‌های غربی بیشتر از ایران اهمیت می‌دهند. گرچه در همین چارچوب، بار دیگر نیازهای انرژی هند، آنان را به داشتن رابطه نزدیک با ایران ملزم می‌سازد.

۱. هند و امریکا

در گذشته، هند و امریکا در امور اقتصادی و علمی مشارکت داشته و از لحاظ سیاسی نیز در دوران جنگ سرد تعامل‌هایی با یکدیگر داشته‌اند؛ به‌عنوان مثال این روابط در زمان سفر راجیو گاندی به واشنگتن در سال ۱۹۸۷ تقویت شده و در پی فروپاشی متحد قدیمی هند یعنی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، دولت هند همواره درصدد تقویت روابط با امریکا بوده است. در ژانویه ۱۹۹۲، مذاکراتی بین دو دولت در زمینه همکاری‌های نظامی و پروژه‌های دفاعی مشترک عمده به عمل آمد. در سال ۱۹۹۸ امریکا پس از آزمایش سلاح هسته‌ای در هند، تحریم‌هایی علیه این کشور وضع نمود، اما پس از درک بی‌فایده بودن تحریم‌ها بر هند، در سال ۲۰۰۱ آنها را ملغی ساخت. به نظر می‌رسد مقامات هندی، جهان پس از دوقطبی را یا تک‌قطبی فرض می‌کنند یا آن را در حالت گذار به سیستم چندقطبی می‌دانند و در این رهگذر هند مایل است یکی از پنج قدرت برتر جهان در آینده‌ای نه چندان دور باشد. به همین دلیل هند نیاز دارد تا به فناوری‌های جدید دست یابد، اقتصاد خود را توسعه دهد و بازارهای بزرگ را فتح کند. در سال ۲۰۰۴ هند و امریکا با امضای توافقی، روابط خود را به سطح استراتژیک بر اساس ارزش‌های مشترک مانند دموکراسی، پلورالیسم و حاکمیت قانون ارتقاء دادند.

یکی از روش‌هایی که در علم برنامه‌ریزی استراتژیک برای ارزیابی رفتارهای یک سازمان در جامعه به کار برده می‌شود، ارزیابی مبتنی بر پیدا نمودن نقاط قوت و ضعف و همچنین یافتن فرصت‌ها و تهدیدات در محیط پیرامونی است. روابط جدید امریکا با هند شامل بخش‌های

استراتژیک، نظامی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی و فرهنگی است. این روابط ناشی از فرصت‌ها و تهدیداتی است که دو طرف از طرف مقابل در ذهن دارند.

فرصت‌هایی که امریکا در جامعه هندی می‌یابد، عبارت‌اند از:

۱. نیروی کار ارزان؛
۲. توسعه انسانی توسط آموزش عالی به سبک دانشگاه‌های امریکایی؛
۳. بازار وسیع و آشنایی با فناوری‌های نو؛
۴. اشاعه نظام‌های دموکراتیک و بدون مخالفت با نظام تک‌قطبی در جهان؛
۵. تعادل استراتژیک در مورد حضور امریکا در دیگر نقاط جهان؛
۶. معکوس نمودن سیاست عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای توسط امریکا در ۳۰ سال اخیر.

از طرف دیگر، هند نیز در روابط خود با امریکا، فرصت‌هایی را به قرار زیر ملاحظه می‌کند:

۱. دستیابی به فناوری‌های جدید، از جمله علوم هسته‌ای، ارتباطات، نانو و...
 ۲. دستیابی به بازار عظیم مصرفی امریکا؛
 ۳. پیدا نمودن جایگاهی مانند چین در بازار امریکا توسط قراردادهای کامل‌الوداد؛
 ۴. تسهیل مقررات اعطای گواهی‌نامه صادرات برای شرکت‌های هندی از سوی امریکا.
- هر دو کشور دارای منافع مشترک و متفاوت هستند. منافع مشترک هند و امریکا عبارت‌اند

از:

۱. امنیت در آسیای جنوبی؛
۲. عبور بدون خطر کشتی‌های نظامی و غیر نظامی و زیر دریایی‌های امریکا در اقیانوس هند؛
۳. مقابله با بلندپروازی‌های چین؛
۴. ارائه مدل سکولار موفق در میان کشورهای اسلامی همسایه؛
۵. استفاده از بازارهای یکدیگر؛
۶. تشکیل بلوک رقیب در برابر کشورهای مسلمان برای رویارویی‌های احتمالی در آینده؛

۷. طراحی رزمایش‌های مشترک برای نشان دادن آمادگی به حریفان احتمالی؛
۸. کم نمودن انتشار گازهای گلخانه‌ای با همکاری مابین اولین و چهارمین کشور بزرگ منتشرکننده این‌گونه گازها؛
نیازهای دوجانبه، هند و آمریکا را به همکاری‌های درازمدت در فناوری‌های برتر رهنمون ساخته است. همکاری‌های گسترده در فناوری‌های پیشرفته بین هند و آمریکا در چهار حوزه تجارت استراتژیکی و دفاعی، بیوتکنولوژی، فناوری اطلاعات و نانوتکنولوژی پیشرفت‌های عمده‌ای داشته است.

در بخش تهدیدها، فهرست زیر نگرانی‌های آمریکا را در ارتباط با هند نشان می‌دهد:

۱. آمریکا نگران خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای در منطقه جنوب آسیاست.
۲. با توجه به خودداری هند از امضای معاهده منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، همکاری نظامی دو کشور راهی برای بازدارندگی قدرت بالقوه هند در این منطقه است.
۳. امنیت انرژی در جنوب آسیا و اقیانوس هند، آمریکا را به تحولات در پیرامون تنگه هرمز و تنگه مالاکا حساس نموده است.
۴. تغییرات آب و هوایی نیز از مهم‌ترین تهدیدها علیه آمریکا در ظاهر است.
۵. گسترش سلاح‌های هسته‌ای در منطقه جنوب آسیا با ظهور هند و پاکستان به‌عنوان دو کشور دارنده سلاح‌های هسته‌ای بیرون از معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان پی تی) و نگرانی آمریکا از ظهور کشورهای دیگر دارنده سلاح هسته‌ای از دلایل اصلی روابط نزدیک هند و آمریکاست.

نگرانی‌های هند که این کشور را به سوی روابط بهتر با آمریکا سوق می‌دهد، عبارت‌اند از:

۱. هند از نزدیکی آمریکا و پاکستان در چارچوب مبارزه با افراط‌گرایی در این منطقه نگران است.
۲. نفوذ مجدد پاکستان در افغانستان. پس از تلاش‌های آمریکا برای یافتن راهی جدید در تعاملات خود در افغانستان در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸، اینک هند از نزدیک شدن آمریکا و پاکستان در مورد طراحی آینده افغانستان نگران است.

۳. همکاری چین و پاکستان از ابتدای تشکیل جمهوری اسلامی پاکستان و ایجاد محور اسلام آباد-پکن از ادراکات هند از تهدیدهای پیرامونی خود است.

۲. هند، امریکا و ایران

شروع روابط جدید بین امریکا و هند، رفتار تصمیم‌گیران هندی در کنترل روند گسترش روابط، چالش‌های داخلی مطرح در جامعه هندی ناشی از این روابط و همچنین حجم، عمق و کیفیت روابط امریکا و هند دارای نکات جالبی است که برای جمهوری اسلامی ایران و به‌خصوص فرهیختگان، سیاست‌مداران و دیپلمات‌های آن می‌تواند به‌عنوان یک مورد آموزشی و کاربردی در عرصه دیپلماتیک جالب باشد.

دو کشور ایران و هند در مورد نگرانی‌های منطقه‌ای در آسیای جنوبی به‌خصوص امنیت و ثبات منطقه‌ای دارای تناقض جدی نیستند، بلکه منافع و نگرانی‌های مشترک دارند. هند ایران را به‌عنوان شاهراه اصلی رسیدن هند به آسیای مرکزی و قفقاز تلقی می‌کند و مایل است که از این مسیر ترانزیت، هر چه بیشتر استفاده نماید. مسئله افغانستان یکی از نگرانی‌های مشترک دو کشور و مسئله کشمیر یکی از نقاط افتراق مابین ایران و هند است.

در مورد افغانستان، دو کشور ایران و هند عقیده دارند منافع ملی آنان ایجاب کند که شاهد

افغانستانی:

۱. امن؛

۲. قوی و مستقل؛

۳. عاری از مداخله خارجی و با ظرفیت در مقابله با نیروهای خارجی؛

۴. توانا در حکومت با مبنای وسیع اجتماعی منعکس‌کننده تکثر جامعه افغانستان؛ و

۵. باثبات از طریق اجماع ملی فراگیر - توسط افغان‌ها و نه نیروهای خارجی - باشد.

در گذشته، به‌دلیل نزدیکی مواضع هند و اتحاد شوروی، ایران و هند در موضوع افغانستان با یکدیگر تفاوت نظر داشتند. اما با خروج نیروهای شوروی از افغانستان در سال ۱۹۸۸ و سپس فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ و به‌خصوص از سال ۱۹۹۶ که کنترل کابل به دست طالبان افتاد، ایران و هند مواضع خود را به یکدیگر نزدیک کردند. آنها از حکومت برهان‌الدین

ربانی که در نقاط محدودی در شمال افغانستان مستقر بود، حمایت کردند. این حمایت در ابتدا سیاسی، سپس مالی، آن‌گاه لجستیک و در نهایت نظامی شد. در ۹ سپتامبر ۲۰۰۱، احمدشاه مسعود توسط دو تن از عناصر القاعده ترور گردید و در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ برج تجارت جهانی در نیویورک مورد حمله قرار گرفت. همکاری‌های چهارجانبه ایران، هند، روسیه و تاجیکستان در پشتیبانی از نیروهای ائتلاف شمال به رهبری هم‌زمان مسعود ادامه یافت. در پی قصد نیروهای امریکای برای ورود نظامی به افغانستان، نیروهای ائتلاف شمال با طراحی و رایزنی با گروه کشورهای چهارگانه از شمال به سمت کابل روانه شدند و پس از فتح کابل و استقرار در بگرام، نیروهای امریکایی توانستند در افغانستان به زمین بنشینند.

با این حال، در همان زمان نیز گرایش‌های هند به امریکا بیشتر از گرایش به ایران بود. امریکا از این گرایش استفاده و جای پای خود را در افغانستان محکم نمود و زمانی که احساس کرد که دیگر از کمک‌های ایران بی‌نیاز است، به‌دنبال کنفرانس بن که در دسامبر ۲۰۰۱ در خصوص آینده افغانستان برگزار شد و به فاصله یک ماه، ایران را جزئی از محور شرارت اعلام نمود.

در تحولات اخیر در افغانستان مجدداً هند و ایران منافع مشترک خود را باز می‌یابند. گرایش امریکا و دولت کرزای در مذاکره و نزدیک شدن به طالبان و تقسیم آنان به طالبان خوب و طالبان بد، با مخالفت هند و ایران مواجه شده است. در مجموع ایران و هند با جریان‌های افراطی در منطقه به‌خصوص افراط‌گرایی اسلامی در پاکستان و افغانستان مخالف هستند و خود را از آن مبرا می‌دانند.

۳. روابط ایران و هند از نگاه امریکا

ایالات متحده امریکا، پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، ایران را به‌عنوان یک مانع بر سر راه نظام بین‌المللی مبتنی بر قطب واحد و یا پلیس جهانی می‌بیند. به همین دلیل از آوریل ۱۹۸۰ و با قطع کامل روابط سیاسی امریکا با ایران، تاکنون ۱۵ قانون مصوب کنگره و فرمان رئیس‌جمهور مبنی بر تحریم در مورد ایران صادر شده است. برخی از این قوانین ناظر به افراد و شرکت‌های امریکایی و فعالیت آنان در ارتباط با ایران می‌باشد و برخی دیگر حالت فرامرزی داشته و دیگر

اشخاص حقیقی و حقوقی را در سراسر جهان هدف گرفته است. آخرین آن، تحریم‌های جدید کنگره در ژوئیه ۲۰۱۰ مبنی بر برخورد با فروشندگان فرآورده‌های سوختی به ایران است. ایران و هند در سال ۲۰۰۳ مشارکت استراتژیک را مابین خود برقرار ساختند. از آن پس سرمایه‌گذاران هندی در بخش‌های مختلف انرژی و صنعت ایران سرمایه‌گذاری نمودند. هند که تاکنون حدود ۱۰ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کرده، از کشورهایی است که روابط تجاری قابل توجهی با ایران دارد. در سال ۲۰۱۰ حجم روابط دو طرف به ۱۵ میلیارد دلار برسد که نسبت به سال ۲۰۰۹، دو میلیارد دلار افزایش را نشان خواهد داد. ایران به هند نفت خام می‌فروشد. قرار بود که پروژه خط لوله گاز آسیایی و یا صلح، از ایران به پاکستان و سپس به هند برود، اما تفاوت منافع پاکستان و هند مانع از ادامه این خط لوله از پاکستان به هند شد. با این حال ایران همچنان در صدد ارسال گاز به هند از طریق خط لوله و یا گاز طبیعی مایع شده (ال ان جی) می‌باشد.

در مورد تحریم‌های ملل متحد علیه ایران، با طراحی امریکا، شورای امنیت ملل متحد تاکنون ۴ قطعنامه علیه ایران داشته است و هر زمان که هند عضوی از شورای امنیت بوده، به نفع قطعنامه پیشنهادی امریکا و علیه ایران رأی داده است. همچنین در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز هند همواره از تصمیمات آن شورا که عمدتاً علیه ایران بوده، جانبداری کرده است. در عین حال هند همواره با حمله نظامی یکجانبه توسط امریکا به ایران مخالفت کرده و آن را برای منطقه آسیای جنوبی فاجعه بار خوانده است.

در نوامبر ۲۰۰۸ ده نفر از اعضای یک گروه تندرو که برخی از آنها پاکستانی بودند، از طریق دریا و نفوذ به هتل‌ها و پایانه راه‌آهن به مناطقی از شهر مومبای که مرکز تجارت هند است، حمله کردند و باعث کشته شدن ۱۶۵ نفر گردیدند. در میان اتباع خارجی، ۶ امریکایی نیز کشته شد. دولت ایران از طریق سخنگوی وزارت امور خارجه بلافاصله این حمله تروریستی را محکوم کرد.

از دیدگاه امریکا، روابط بهتر دهلی و واشنگتن در ارتباط با ایران به روندهای زیر کمک

خواهد نمود:

۱. امریکا مایل است که با همکاری نزدیک‌تر با هند مانع تعاملات هسته‌ای هند و ایران شود.
۲. هر مقدار که امنیت انرژی هند بهتر تأمین گردد، هند وابستگی کمتری به ایران خواهد داشت.
۳. عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای در جنوب آسیا و از جمله ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای از راه همکاری با هند و پاکستان میسر است.
۴. به عقیده امریکا، تروریسم در مناطقی از افغانستان و پاکستان شدت گرفته و به دو موضوع افغانستان و کشمیر ارتباط دارد.

۴. ایران و هند از این پس

همان‌طور که گفته شد، همکاری‌های ایران و هند در حال حاضر در زمینه‌های انرژی، سیاست، فرهنگ، اقتصاد و دیالوگ تمدنی توسعه می‌یابد. رفتار هند در روابط خود با امریکا دارای نکات زیر برای ایران خواهد بود:

۱. اعتماد به نفس هند؛
 ۲. توازن و تعادل در روابط؛
 ۳. تاثیر جامعه هندی مقیم امریکا در این روابط؛
 ۴. ارائه ابتکارهای متعدد از طرف هند؛
 ۵. تقدم توسعه اقتصادی؛
 ۶. اهمیت داشتن همکاری‌های نظامی؛
 ۷. ارجحیت دادن به همکاری‌های آموزشی؛
 ۸. این روابط هند را به یک توسعه همه‌جانبه رهنمون می‌سازد.
- با توجه به روابط امریکا و هند به نظر می‌رسد ایران می‌تواند درس‌های زیر را برای ارتقای روابط خارجی خود در نظر گیرد:
۱. راه‌اندازی مجدد دیپلماسی "هویت آسیایی"؛
 ۲. هماهنگی بیشتر با هند در سیاست‌های مربوط به افغانستان؛

۳. میانجی‌گری در مسئله کشمیر؛
۴. ایجاد ابتکار برای همکاری‌های مربوط به انرژی بدون واسطه؛
۵. ارتقاء امنیت مسیرهای کشتیرانی در اقیانوس هند با همکاری هند؛
۶. توجه به همکاری‌های آموزش عالی با هند؛
۷. تبادل محقق و پژوهشگر در زمینه علوم پیشرفته.